



پژوهشی کوتاه در ۵۰۰۰ سال تاریخ تمدن ایران

بخش پژوهش‌های تاریخ و تمدن مجله‌ی فردوسی

پیش‌تر اشاره کردیم که تاریخ تمدن قوم آریا از دره سند و کرانه‌های رود گنگ در هندوستان آغاز شد و دسته‌هایی از این نژاد از کانون مرکزی خود به قصد سکونت در مکانی دیگر مهاجرت کردند. گروهی به فلات ایران رسیدند و دسته‌هایی راه شمال دریای خزر را در پیش گرفتند و به اروپا رفتند

و خودکامه‌گی حاکمان و سرداران عرب، دست از پشتیبانی آنان کشیدند.

عرب‌ها که از پیشینه‌ی تاریخی، فرهنگی و علمی شایسته‌ای برخوردار نبودند در مقابله با تضادهای اجتماعی در سراسری تاریخ، گرفتار مناقشات و درگیری‌ها و زد و خوردهای قومی و نژادی و نهضت‌های سیاسی گوناگون و مخالف حاکمیت خود شدند که درخواستی جز آزادی خواهی و عدالت اسلامی نداشتند.

در بین نهضت‌های مخالف حکومت موروثی خلفا، نهضت شعوبه یکی از پرآوازه‌ترین آن‌ها

قتل عام‌های مخالفان خودی و بیگانه و ملت‌های شکست‌خورده هر روز گسترده‌تر می‌شد. حکومت زور و سلطه و ترور به



جایی رسید که دیگر محلی امن و خالی برای اسارت و زندانی کردن مخالفان باقی نماند.

این سیاست رعب‌انگیز عرب‌ها چندی نپایید که باعث شد تا وفاداران عقیدتی و سیاسی آنان که بیش‌تر از عرب‌ها انتخاب می‌شدند از حاکمیت بریدند و در صف مخالفان جای گرفتند. از سوی دیگر، اندیشمندان، خردورزان، متخصصان و کاردانان ایرانی که در سال‌های نخستین اسلام به استقبال دین مبین محمدی رفته و تمام تخصص‌های فرهنگی، علمی، اقتصادی، نظامی، اداری و اجرایی را در اختیار عرب‌ها قرار داده بودند، با مشاهده نابه‌کاری و ستم‌گری و نژادپرستی

با گذشت سال‌های نخستین گسترش اسلام، علی‌رغم وجود اختلاف‌های بسیار آشکار قومی و قبیله‌ای بین عرب‌ها برای به دست آوردن قدرت و حکومت و هم‌چنین جنگ آشکار موافقان و مخالفان خلافت، بعد از رحلت حضرت محمد (ص)، عرب‌ها چون همه چیز را وفق مراد خویش می‌دیدند و دین و دنیا و آخرت و ثروت و قدرت را در دستان خود مشاهده می‌کردند؛ همان‌گونه که رسم دیرینه‌ی تمام‌سلطه‌گران و خودکامه‌گان تاریخ است، رسم نامردمی، دروغ، تزویر،

سیاست‌بازی، استفاده از دین به عنوان ابزار قدرت و پیشرفت و راه ناسازگاری و خیانت به قوم و قبیله‌های خودی و بیگانه را پیشه ساختند. هر کس را که دم از مخالفت با حاکمان دین پناه می‌زد، به اتهام کفر و الحاد

از هما نخستین روزهای سلطه‌ی عرب‌ها بر ایران، بسیاری از فرهیخته‌گان و اندیشمندان ایرانی برای نگاهداری فرهنگ و دانش و زبان پارسی از هیچ تلاشی کوتاهی نکردند.

و مخالفت با پیامبر و امام و خلیفه و جانشین خدا!!! به محکمه‌ی مرگ می‌سپردند. دامنه‌ی

زبان پهلوی ساسانی تا چند قرن بعد از حمله‌ی عرب‌ها به ایران، هم چنان مورد استفاده قوم‌های مختلف ایرانی بود.

است. بانیان این نهضت ایرانیان مسلمانی بودند که به زودی متوجهی خلاف‌کاری، تزویر، نژادپرستی و برتری‌جویی قومی خلفای عرب شدند. نهضت شعوبه برای رهایی از ستم مضاعف حاکمان عرب،



شخصیت سیاست‌مداران، دیوان سالاران، شاعران و مدیحه‌سرایان در دستگاه حکومتی خلفا به خدمت مشغول بودند. لازم است با تأکید گفته شود که برخی از این ایرانیان در جهت پخش و گسترش زبان عربی و جای‌گزینی آن به جای زبان فارسی تلاش جانانه‌ای کرده‌اند. بسیاری از مقامات ایرانی خدمت‌گزار دستگاه خلافت عرب‌ها، ایرانیانی را که در راه بازگشت به خط و زبان فارسی و تدوین کتاب‌هایی در زمینه‌ی فرهنگ و تمدن ایران تلاش می‌کردند، به کفر و الحاد و زندقه و بازگشت به آیین آتش‌پرستی متهم کرده و آن‌ها را به مصادره اموال، تبعید و در مواردی مرگ محکوم می‌کردند.

برخلاف تعلیمات دین مبین اسلام و رهنمودهای پیامبر گرامی آن در مورد احترام به علم و اندیشه و برابری انسان‌ها، حکام و خلفای عرب از این که قومی کتاب بخواند یا کتاب بنویسد و در علم و فلسفه و تاریخ و ادبیات اثری داشته باشد به شکلی بسیار تعصب‌آلود متنفر بودند. به گمان آن‌ها تنها خط کتابت، خط عربی و تنها کتاب موجود، کتاب مقدس قرآن بود. به همین سبب آثار نوشته شده علمی و کتاب‌های اقوام شکست خورده را در هنگام پیروز شدن می‌سوزاندند و آثار تاریخی آنان را تخریب می‌کردند.

چنان‌چه به تاریخ علم و فرهنگ و زبان عربی با

طرفداران خود را تشویق می‌کردند که با پژوهش در آثار باقی‌مانده فرهنگ و تمدن پارسی با سلاح علم و اندیشه و خط و زبان فارسی به جنگ دشمن بروند و آشکارا علیه برتری‌جویی و نژادپرستی عرب‌ها مبارزه کنند.

مقاومت و مبارزه ایرانیان زیر سلطه‌ی عرب‌ها

عرب‌ها به علم تاریخ، تاریخ نگاری و ثبت روی داده‌های تاریخی به نسبت سایر ملت‌ها، بسیار عقب افتاده‌اند.

اگر چه از سال پنجاه هجری آغاز می‌گردد، اما در پایان قرن یکم هجری و از سال ۷۳۰ میلادی تبدیل به نهضتی ادبی - فرهنگی می‌شود.

پدیدآوردگان و پیروان این نهضت به برتری‌جویی قومی و نژادپرستی عرب‌ها که اقوام بیگانه و به ویژه ایرانیان را عجم می‌نامیدند، حمله می‌کنند و خلفا را مورد سرزنش قرار می‌دهند.

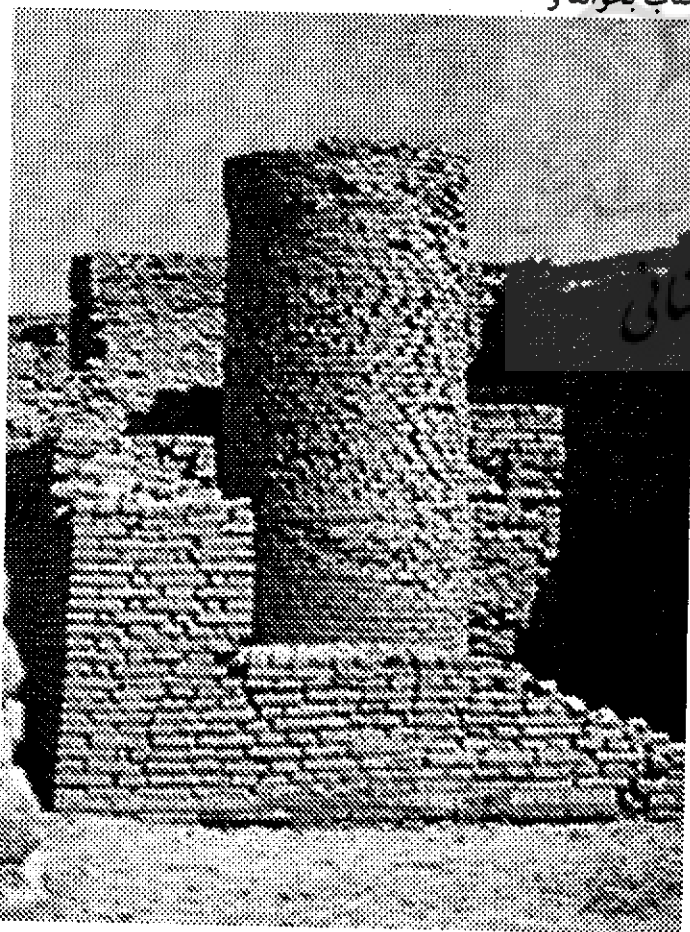
در این دوره آثاری از متفکران ایرانی پدیدار می‌شوند که زبان آن آمیزه‌ای است از واژگان فارسی باستان و زبان عربی. خط و زبان امروزی، (فارسی دری) از همین زمان آغاز می‌شود. در این دوره که حدود ۱۰۰ سال به درازا می‌کشد، بسیاری از آثار علمی و ادبی و دینی گذشته که در سال‌های نخستین پیروزی عرب‌ها سوزانده شده بودند، بازنویسی و بازآفرینی می‌شوند.

شگفت نیست اگر گفته شود که عامل اصلی نابودی بخش وسیعی از گستره فرهنگ و تمدن و خط و زبان فارسی در هنگامه‌ی پیروزی عرب‌ها و سال‌های استحکام قدرت و استقرار حکومت آنان در سرزمین ایران، ایرانیان خودفروخته‌ای بودند که در

تا وقتی که پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد (ص) زنده بودند، ساده زیستی، عدالت خواهی، توجه به فقیران و حکومت الهی در صدر تعلیمات اسلام قرار داشتند. اما با رحلت ایشان و در زمان خلفا همه چیز برعکس شد.

دقت توجه شود، سهم ایرانیان خردورز و اندیشمند در شناساندن زبان عربی به مراکز بزرگ علمی جهان فراموش شدنی نیست. قرن‌ها بزرگ‌ترین دانشمندان، فیلسوفان و نویسندگان زبان عربی، ایرانی بودند و سلطان بی‌چون و چرا و بدون رقیب علوم مادی، معنوی، کلام، حدیث و تفسیر جهان اسلام به شمار می‌رفتند.

در راستای گسترش خط و زبان عربی و معرفی فرهنگ عربی به جهانیان بر مبنای





دوران و نجات یافته از کتاب سوزان اقوام مهاجم، در اشعار عمومی و به ویژه اشعار مذهبی خلاصه می‌شوند.

به هنگام حمله‌ی عرب‌ها به ایران، زبان ایرانیان پهلوی ساسانی بود و تا چندین قرن بعد از اسلام این زبان هم‌چنان در بخش‌های بزرگی از ایران رواج داشت. علاوه بر زبان یاد شده زبان‌های سُغدی، سُکایی، خوارزمی و بلخی نیز از گروه عمده زبان‌های فارسی هستند. اگر چه کل آثار مکتوب به این زبان‌ها در یورش بیگانگان و در جشن‌های کتاب سوزان! سوختند و نابود شدند، اما قرن‌ها پس از سلطه‌ی اقوام مهاجم به ایران، هنوز مورد استفاده اقوام مختلف ایرانی در گوشه و کنار سرزمین ایران قرار می‌گرفتند.

در هنگام حمله‌ی عرب‌ها به ایران، زبان ایرانیان پهلوی ساسانی بود و تا چندین قرن پس از اسلام این زبان هم‌چنان در بخش‌های بزرگی از ایران، به ویژه در قسمت‌های خراسان بزرگ رواج داشت. علاوه بر زبان یاد شده، زبان‌های سُغدی، سُکایی، خوارزمی و بلخی نیز در بین مردم گوشه و کنار گستره آن روزی ایران مورد استفاده اقوام مختلف قرار می‌گرفت.

بسیار مهم است اگر بدانیم که عرب‌ها به علم تاریخ و تاریخ‌نگاری و ثبت روی داده‌های تاریخی بی‌توجه بوده‌اند، به آن اهمیتی نمی‌داده و حتی آن را عملی ناپسند تصور می‌کردند. به همین دلیل است که قوم عرب تاریخ مدونی از خود ندارد و هر آن چه که از پیشینه‌ی این قوم در دست است، مشاهدات و مستندات و نقل قول‌های تاریخ‌نویسان غیرعرب می‌باشد.

ادامه در شماره آینده

فرهنگ و تمدن فارسی از خودگذشتگی و جان‌فشانی‌هایی کردند که در کم‌تر قوم مغلوبی می‌توان دید. این علاقه‌مندان به بازگشت خط و زبان فارسی از همان آغاز تسلط عرب‌ها بر ایران، به منظور حفظ آثار تاریخ و تمدن ملی خود، مشغول ترجمه‌ی آثار و تاریخ گذشته از زبان پهلوی به فارسی دری و زبان عربی شدند و آثار بسیار ارزشمند و مهمی از خود به یادگار گذاشتند. مسلم‌تو این که فرهیخته‌گان و اندیشمندان ایرانی نژادی که اندیشه‌ی ایرانی بودن خود را هرگز فراموش نکرده بودند، برخلاف جور و ستم مضاعف حکام ایرانی مسلمان شده، به کار تدوین و تحریر کتاب‌ها و نشر زبان و خط و فرهنگ ایرانی از همان سال‌های نخستین سلطه‌ی عرب‌ها مشغول گردیدند و از همان زمان، نخستین جرقه‌های تجدید حیات ادبی آغاز گردید. از دیوباز و نخستین روزهای تاریخ تمدن و فرهنگ ایران زمین، شیوه جاری

اگر تلاش و کوشش علمی خردمندان و دانش پژوهان ایرانی نبود، خط، زبان و فرهنگ عربی هرگز تا این حد در سراسر گیتی گسترش نمی‌یافت.

پژوهش‌گران و خردورزان ایرانی و غیر ایرانی این چنین بوده است که تاریخ ادبیات سرزمین ما را به شعر ارزیابی می‌کرده‌اند. به همین منظور در هر یک از دوره‌های متفاوت تاریخی بیش‌تر از هر موضوع دیگری، شعر مورد پژوهش و تحلیل کارشناسان قرار گرفته است.

چنان چه به یک بررسی اجمالی به تاریخ ادبیات پیش از اسلام نیز بپردازیم، ملاحظه خواهیم کرد که تمام آثار باقی‌مانده از آن

اعتراف بسیاری از زبان‌شناسان و متخصصان تاریخ و تمدن عرب و غیر عرب، سهم ایرانیان به علت آگاهی‌های علمی و تخصصی آن‌ها در علم پژوهش و نگارش و تدوین و نسخه‌برداری و توزیع کتاب، از سهم عرب‌های بدوی و متعصب چندین مرتبه بیش‌تر است. یکی از شاه‌کارهای علمی و ادبی و فکری ایرانیان، گسترش و معرفی خط و زبان و فرهنگ دینی و اجتماعی

بسیاری از ایرانیان خود فروخته در نابودی فرهنگ و زبان پارسی نقش بزرگی داشته‌اند.

عرب‌ها به سراسر جهان است. به راستی چنان‌چه ایرانیان در شناساندن زبان و ادبیات عرب در عصر تسلط عرب‌ها بر ایران و حتی بعد از آن، از خود تلاشی چشم‌گیر و مستمر نشان نمی‌دادند و اگر در این مورد مانند بسیاری از اقوام دیگر که زیر سلطه‌ی عرب‌ها درآمدند بی‌تفاوت بودند، امروز زبان و خط عربی حداکثر در جزیره‌العرب محبوس می‌ماند و در این حد و اندازه و گستره پهناور کره زمین توسعه نمی‌یافت.

گذشته از تمام این نابخردی‌ها و نادانی‌های بسیاری از ایرانیان عرب شده و آن‌هایی که در گیر و دار آشوب‌های نخستین دهه‌های تسلط عرب‌ها بر سرزمین ایران بسیار سریع تغییر ماهیت داده و رنگ و لباس عربی به خود گرفته بودند، ایرانیان پاک نژادی هم وجود داشتند که اگر چه به دین پاک حضرت محمد (ص) گرویده بودند، اما هویت ملی خود را تسلیم عرب‌ها نکرده و در راه بازگرداندن خط و زبان و ادب و